

مطالعات تاریخ فرهنگ؛ پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال پنجم، شماره‌ی بیستم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۸۵-۱۰۲

تبیین جایگاه میناس؛ نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران

* مهدی علی‌اکبرزاده

چکیده

از قرن هفدهم میلادی، ارمنه در ایران، از نظر تجاری و اقتصادی، همجنین فرهنگی و هنری تاثیرات مهم و اساسی بجای گذاشتند. این مقاله، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با نگاهی به تاریخ نقاشی ارمنه ایران به تبیین جایگاه میناس؛ نقاش ارمنی قرن هفدهم میلادی، در نقاشی ایران برداخته است. یافته‌های این مقاله، گویای این مطلب است که میناس به عنوان یک نقاش ایرانی - ارمنی در ورود نقاشی اروپایی به ایران، چهره‌نگاری‌های بزرگ اندازه با رنگ روغن، تعلیم استاد رضا عباسی و تأکید او بر حضور نقاشی در زندگی اجتماعی، شخصیتی موثر در تاریخ نقاشی ایران به شمار می‌رود. هدف این مقاله بررسی جایگاه این نقاش گمنام، در تاریخ نقاشی ایران و آگاهی از توانمندی‌ها و تاثیرات او در شکل‌گیری نقاشی ایران در قرن هفدهم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: میناس، نقاشان ارمنی، تاریخ نقاشی ایران، نقاشی دوره صفوی.

* دانشجوی دکتری تاریخ هنر دانشگاه دولتی ایروان، ارمنستان. ایمیل: (Mahdi_ali1@hotmail.com)
تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۲۲ - تاریخ تأیید: ۹۲/۰۸/۲۲

مقدمه

برخی اسناد، و شواهد تاریخی گویای این واقعیت است که ارامنه‌ی ایران از دیرباز، آفریننده ارزش‌های فرهنگی و هنری زیادی بوده‌اند. بخشی از این ارزش‌ها را آنان با خود از ارمنستان به ایران آورده و در رشد و توسعه و نگهداری آنها تلاش نموده‌اند، بخش دیگر حاصل تأثیرپذیری آنها از فرهنگ و هنر ایران زمین بوده و بخش دیگر نیز محصول ذهن خلاق و تلاشگر آنان بوده است. به گونه‌ای که آن‌ها فرهنگ و هنر جدیدی در ایران بنا کرده و سلایق و سبک‌های نویی پدیدار ساختند. هنرمندان ارمنی ایرانی با تأثیر از فرهنگ و هنر ایرانی، گونه‌های مشترک خلاقانه را از ایرانیان برگرفته و سازمان دهنده‌ی فکر و ایده‌های هنری جدیدی شده‌اند. سبقه‌ی ارامنه با فرهنگ تجدد و شکوفایی ایران، آنچنان گره خورده است که بررسی مسیر گذر از جهان سنت به عالم معاصر، بدون ڈکرnam شماری از ایشان ورق نمی‌خورد. در حوزه‌های مختلف، از آنجا که این دو دمان از ایرانیان به سبب قربت مذهبی با اروپائیان روابط نزدیک‌تری با مغرب زمین داشتند، امکان انتقال فرهنگ، هنر و علوم مختلف را به ایران فراهم کردند.

نقاشی به عنوان یکی از هنرها رایج در قرون هفدهم و هجدهم، در شکل‌گیری تعاملات بین اقوام ارمنی ایرانی و ایرانیان غیر ارمنی نقش بسزایی داشته است. در همان دوره، با ارزش‌گذاری در ترسیم پرده‌های بزرگ اندازه، خصوصاً در خانه‌های اعیان و کاخ‌ها، فضل تازه‌ای از این اهتمام تاریخی به چشم می‌خورد. یکی از نقاشان مطرح در این دوره؛ میناس می‌باشد، که با استعداد و توانمندی خاصی در تغییر نگرش جامعه به نقاشی و همچنین ایجاد تبادل با مغرب زمین موفق بوده است.

مانیا قازاریان در کتاب هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های هفدهم و هجدهم، ضمن ارائه مطالبی تاریخی و مستند از نقاشان معروف ارمنی آن دوران، در یک بخش مجزا، زندگی، آثار و جایگاه میناس را مورد بررسی قرار داده است. در این اثر، سبک کاری میناس و چگونگی تلفیق نقاشی ایرانی با اروپایی بطور مستند مطرح شده است. همچنین هراند قوکاسیان، نویسنده ارمنی در مقاله‌ای با عنوان «هنر و فرهنگ ارامنه ایران» از میناس به عنوان نقاشی توانمند و تحول‌نگر یاد کرده است. آندرانیک هوویان نیز در کتاب هنرمندان ارمنی ایران در بخش خاصی، میناس نقاش را به تفصیل مطرح کرده است.

یکی از محققین معاصر ارمنی؛ لئون میناسیان، در مقاله‌ای تحت عنوان «استاد میناس نقاش مشهور جلفا»، ضمن معرفی کامل سبک و تکنیک‌های کاری میناس به بیان ویژگی‌های شخصیتی و هنری او پرداخته است. همچنین ایشان در مقاله‌ی دیگری با عنوان ذکر رضا عباسی در استاد ارمنی به سندهای تاریخی و معتبر اشاره می‌کند که آنها را در بایگانی موزه وانک یافته، به طوری که در آن‌ها جایگاه میناس در دربار شاهان صفوی هم عرضش مطرح شده است. یکی دیگر از منابع مهم تحقیقی، مطالعاتی است که خانم امیلیا نرسیسیانس با عنوان مردم‌گاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان، انجام داده است و در آن به تشریح جایگاه میناس به عنوان نقاش مشهور و موثر ارمنی پرداخته است. همچنین ایشان در مقاله‌ی دیگری با عنوان «تأثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی» با اختصاص بخش خاصی به میناس، قلم قوی و توانمند او را در ثبت بیان طبیعی و زندهی موضوعات مطرح کرده است. مع‌الوصف، این مقاله ضمن بررسی جایگاه میناس در تاریخ نقاشی ایران با مطالعه در سبک و تکنیک‌های کاری، برخی از تاثیرات ایشان را در سده‌های یاد شده مطرح می‌نماید. از جمله مواردی که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود، عبارتند از: آشنایی با شخصیت کاری میناس، بررسی سبک و تکنیک‌های آثار میناس، آشنایی با نظرات و استعدادهای خاص میناس و بررسی برخی تاثیرات و ابداعات میناس. این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و کلیه منابع اطلاعاتی به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

نقش ارمنیان در تاریخ تحولات فرهنگی و هنری ایران

قرون هفدهم و هجدهم میلادی، جلفای اصفهان مهد علم و دانش ارمنیه ایران بود و در آنجا، جمع‌کثیری از هنرمندان و دانش‌پژوهان گرددۀم جمع می‌شدند و به فعالیت‌های هنری و فرهنگی می‌پرداختند. «در دهه‌ی سوم قرن هفدهم به سعی و اهتمام خلیفه خاچاطور کساراتسی^۱ (وفات ۱۶۴۶)، پیشوای مذهبی ارمنیه جلفا، مکتب عالی (مدرسه‌ی دینی) افتتاح شد. مکتبی که در تاریخ و تمدن و فرهنگ ارمنیه به منتهای شکوفایی رسید و نام دانشگاه به خود گرفت. [...] از مکتب خاچاطور کساراتسی افرادی فارغ التحصیل گردیدند

1. Khachatoor kesaratsi

که هر کدام منشاء خدمات شایسته شدند و در تاریخ تمدن و فرهنگ ارمنه، چهره‌های درخشان به شمار می‌رفتند. آثاری که بدست هنرمندان ارمنی بهویژه در زمینه نقاشی‌های دیواری و مینیاتور آفریده شده است، به نوبه خود چشمگیر محسوب می‌شوند.^۱

نقش تجار و بازرگانان ارمنی در ایجاد ارتباط با سایر کشورها و به تبع آن ایجاد زمینه‌های تاثیرگذاری و ارتباطات هنری در سده‌هی هفدهم، نکته‌ی حائز اهمیتی است. «بازرگانان ارمنی حداقل پنجاه سال پیش از آنکه شاه عباس صفوی گروه کثیری از ارمنیان را به مرکز ایران (اصفهان) کوچ دهد، از طریق شیراز با هندوستان و خاور دور تجارت می‌کردند. پس از استقرار ارمنیان در جلفای اصفهان، بازرگانان ارمنی کالاهای ایران و هندوستان را به سراسر جهان صادر می‌کردند». همچنین آنان «در میان کالاهای گوناگونی که از اروپا به ایران می‌آورند، پرده‌های رنگ روغنی نیز وجود داشت. نه فقط ثروتمندان ارمنی، بلکه شاه و درباریان صفوی، خواستار چنین نقاشی‌هایی بودند. همچنین اغلب کلیساها و جلفای نو به روای اروپایی با دیوارنگاره‌های طبیعت گرایانه تزئین شدند».^۲ وجود این توانمندی در تجار ارمنی ضمن این‌که طبق استاد تاریخی، مورد اطمینان شاه عباس بودند؛ باعث برقراری ارتباطات هنری ایران با کشورهای اروپایی شدند. جالب اینجاست که «بازرگانان ارمنی در این زمان اغلب نقش هیات‌های نمایندگی سیاسی ایران در خارج را نیز ایفا می‌کردند. زیرا به زبان‌های خارجی و با رسم و رسوم اروپایی‌ها آشنایی داشتند». بنابراین در جریان بررسی نقش ارمنیان در تاریخ هنری ایران، می‌توان با رعایت انصاف، اذعان داشت که مرور هنر ایران بدون شناخت و ارزیابی هنرمندان ارمنی مقدور نیست.

امیلیا نرسیسیانس، مردم‌شناس و پژوهشگری که هنر ارمنه ایرانی را با عنوان

۱. هراند قوکاسیان، «هنر و فرهنگ ارمنه ایران»، مجله ارمغان، ش. ۵، ۱۳۵۲، ص. ۳۴۸.

۲. آندرانیک هوویان، (۱۳۸۰)، ارمنیان ایران، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها - هرمس، ص. ۲۷۶.

۳. روین پاکیاز، (۱۳۸۶)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: زرین و سیمین، ص. ۱۳۴.

۴. ژانت د. لازاریان، (۱۳۸۲)، دانشنامه ایرانیان ارمنی، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها - هرمس، ص. ۳۱.

مردم‌نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان مورد بررسی قرار داده است، این تاثیرگذاری فرهنگی و هنری را چنین شرح می‌دهد: «تاجران متمول ارمنی از خرج کردن پول برای زیستگاه خود، ابا نداشتند؛ خانه‌های مجللی برای خود احداث می‌کردند و در آن پذیرای مقامات رسمی مملکت بودند. تجارت متمول به اروپا سفر می‌کردند و از نزدیک با هنرمندان و آثار بزرگ‌ان نقاشی اروپا آشنا می‌شدند. به علت وضع مالی می‌توانستند در خانه‌های مزین به نقاشی زندگی کنند. جامعه‌ی مدنی تجار ارمنی، قدرت پشتیبانی قابل مقایسه و حتی فراتر از حمایت‌های دربار صفوی را برای نقاشان قرن هفدهم جلفای اصفهان از طریق ایجاد تقاضا برای آثارشان فراهم ساختند».^۱

در همین دوران اصفهان با سیمای شکوهمند، جمعیت زیاد، و رونق اقتصادی بی‌سابقه‌اش، به مرکز تجمع بازرگانان، جهانگردان، سفیران سیاسی، مبلغان مذهبی و هنرمندان خارجی مبدل شده بود. در این شرایط بود که «نقاشی ایرانی تاثیرات اروپایی را تجربه کرد، اثیپذیری از چند طریق صورت گرفت، آثار هنری اروپایی وارد شده به ایران و تماس مستقیم با نقاشان اروپایی مقیم اصفهان، نقاشی ارمنیان ساکن جلفای نو، و آثار نقاشان مکتب گورکانی هند [...]؛ با اوج شکوفایی مکتب اصفهان به نقاشی‌هایی بر می‌خوریم که در آنها کوشش برای نمایش حجم، عمق، نور و سایه دیده می‌شود. این مقارن است با علاقه روز افزون به موضوعات اروپایی و کاربست رنگ روغنی در نقاشی‌های بزرگ اندازه. بخشی از نقاشی‌های کاخ چهل ستون در این زمرة‌اند». در این دوران، که تاریخ نقاشی ایران به فرنگی‌سازی یاد می‌شود، نوعی الگوی‌داری از آثار ناتورالیستی غربی انجام می‌گرفت که عمدتاً بصورت ناقص اجرا می‌شد ولی تأثیقی از سنت‌های شرقی در آنها نمایان بود. «به طوری که تلفیق سه نوع تکنیک و روش کار شامل نقاشی سنتی، هنر ارمنی و نقاشی اروپایی، نقاشی دوران صفوی را منحصر به فرد و متفاوت

۱. امیلیا نرسیسیانس، «مردم‌نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان»، اصفهان: سمینار مردم‌نگاری هنر <http://www.esfclubs.com/forum/3882>

۲. نقاشی کورگانی، هنر مربوط به امپراطوری گورکانیان (مغولان) هند، که تحت حمایت همایون شاه (میانه سده شانزدهم) آغاز شد، و تحول آن تا زمان محمد شاه گورکانی (نیمه نخست سده هجدهم) ادامه یافت.

۳. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، ص ۱۳۲-۱۳۳.

از سایر سبک‌های همزمان جلوه می‌داد. این تفاوت به حدی است که تشخیص آثار نقاشی این دوران از دوره‌های قبل و بعد از آن بسیار سهل است.^۱ با وجود این، نفوذ مستقیم هنر اروپایی تنها علت ظهر این موج جدید نبود، بلکه ارتباط با هند و حضور ارمنیان در جلفای نو نیز در این امر تاثیر داشت. بنابراین اعتقاد بر این است که «ارمنه به عنوان پل ارتباطی ایران و اروپا در زمینه‌های تجارتی و فرهنگی و... نقش انکار ناپذیری ایفا کرده‌اند».^۲

میناس نقاش

میناس زهرا بیان (zagkgouc)، مشهور به میناس نقاش، یکی از نقاشان برجسته قرن هفدهم است، که آثارش گویای تاکید بر ویژگی‌های سنتی و شرقی، در عین گرایش به اروپایی بودن آنها می‌باشد. تاکنون داستان‌هایی در مورد میناس مطرح شده است. آثار متعددی به او نسبت می‌دهند که در زمان حیات نقاش و سده‌ی هجدهم اجرا شده‌اند، اما تنها منبع موثق و معتبری که اطلاعات نسبتاً کاملی از میناس ارائه می‌کند کتاب تاریخ ارمنه آرکل داوریزتسی^۳ یا تبریزی (درگذشت ۱۶۷۰)، مورخ روحانی ارمنی قرن هفدهم است.^۴ وی در فصل بیست و نهم کتاب خود در باره‌ی چهره‌های فرهنگی و هنری هم عصر خود سخن به میان آورده و جایگاه خاصی را به میناس اختصاص می‌دهد. از نوشته‌ی آرکل تبریزی چنین بر می‌آید که «میناس در جلفای نو اصفهان زاده شده و از تبار جلفایی‌ها می‌باشد. پدرش مگردیچ زهرا بیان آموزگار مدرسه ارمنیان جلفا بود».^۵ همین طور «وقتی تبریزی در ۱۶۲۲ م. کتاب تاریخش را به پایان می‌رساند، میناس در جلفای نو می‌زیسته است».^۶ نظر

۱. حسن کریمیان و مژگان جایز، «تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری»، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ش. ۷، ۱۳۸۶، ص. ۶۵.

۲. ژانت د. لازاریان، (۱۳۸۰)، هنر معاصر ارمنستان، تهران: موسسه توسعه هنرهای تجسمی، ص. ۱.

۳. Arakel Davrizhets
۴. کتاب تاریخ ارکل داوریزتسی در قرن هفدهم نوشته و در زمان حیات او چاپ شده است. چاپ اول در ۱۶۶۹ در آمستردام و چاپ‌های دوم و سوم در سال‌های ۱۸۹۴ و ۱۸۹۶ در ادیپادزرن به چاپ رسیده‌اند.

۵. آندرانیک هوویان، (۱۳۸۸)، هنرمندان ارمنی ایران، تهران: فرهنگستان هنر، ص. ۹.

۶. مانیا قازاریان، (۱۳۶۳)، هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ترجمه ادیک گرمانیک، تهران: هویک ادگاریان، ص. ۲۳.

به این‌که در زمان پادشاهی شاه صفی (۱۶۴۲-۱۶۲۹)، میناس، نقاش برجسته و تکامل یافته‌ای شده بود و در همان زمان، آثار بسیار هنرمندانه و باشکوهی را خلق کرده بود، بنابراین به نظر می‌رسد که در آن زمان، «میناس جوانی با سن بیشتر از ۲۰ سال بوده است. لذا می‌توان زمان تولد او را دهه نخست سده‌ی هفدهم میلادی و ربع آخر همان سده را زمان وفات او تخمین زد».^۱

آراکل داوریزتسی همچنین در مورد استاد نقاش میناس می‌نویسد: «میناس در سفر خود به حلب شاگردی یک نقاش فرنگی احتمالاً ایتالیایی را کرده است و به این طریق اولین نقاشی است که سیک اروپایی را وارد فرهنگ ایرانی کرده است». در کتاب هنرمند ایرانی و مدرنیسم نیز پیرامون میناس چنین آمده است: «میناس، از نخستین هنرمندانی بود که شیوه و موضوعات نقاشی اروپایی را به ایران وارد کردند. او در جوانی زیر نظر یک معلم اروپایی، آموزش دید و سپس در جلفای نو اصفهان ساکن شد».^۲

میناس دارای شخصیت هنری منحصر به فرد و متفاوتی نسبت به سایر نقاشان هم عصر خود قلمداد می‌شد. «به گونه‌ای که آراکل در جایی از کتاب تاریخ خود میناس را افتخار و سربلندی ملت ایران معرفی می‌کند». میناس به طور شگفت‌انگیزی شبیه آنچه را که در معرض دید قرار داشت، سریعاً نقاشی می‌کرد و نکته مهم‌تر این‌که در ترسیم خود، «حالات جسمی و روانی چهره‌ی افراد نظری شادی، خشم، ناراحتی، هیجان... را نیز به تصویر می‌کشید». او قادر بود که «اشکال را پر تحرک کرده، مجزا از همانندی‌ها، ویژگی‌های سنتی را مورد تأکید قرار دهد و در مواردی به آن گویایی روانشناسانه بخشیده و به شکل خطوط چهره ظرافت دهد». همچنین او با حرکات متعادل به بطن اشیا دست یافته، ظرافت عوامل، پوست و پارچه را نشان دهد. «میناس قادر بود انسان چهل ساله را به صورت یک

۱. همان، ۲۹.

۲. مردم نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان، سایت اینترنتی <http://www.esfclubs.com/forum/3882>

تاریخ بازدید ۱۳۹۱/۵/۱۲.

۳. کامران افشار مهاجر، (۱۳۸۴)، هنرمند/ گویانی و مدرنیسم، تهران: دانشگاه هنر، ص. ۳۴.

۴. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان)، سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص. ۲۴.

۵. همان، ص. ۲۶.

۶. همان، ص. ۳۱.

انسان چهل ساله و یک نوجوان چهارده ساله را به شکل و شمایل جوان چهارده ساله به تصویر بکشد به نحوی که تماشاگر با دیدن تصویر می‌توانست سنِ موضوع نقاشی را به درستی حدس بزند^۱. دو نقاشی چهره متنسب به میناس که در موزه‌ی وانک اصفهان نگهداری می‌شوند (تصویر ۱)، تداعی کننده‌ی چهره‌نگاری‌هایی هستند که در قرن هفدهم در جلفای نو سفارش داده می‌شدند. این دو اثر چهره‌هاکویجان و وسکان ولیجانیان (پدر و فرزند ثروتمند جلفای نو) را به تصویر کشیده است. البته وی غیر از چهره‌نگاری به نقاشی‌هایی با تم‌های مختلف، نگاره‌های طبیعی، مناظر، جانوران و گیاهان نیز می‌پرداخت. و همچنین سعی می‌کرد، به یاری فنون گوناگون به‌وسیله رنگ روغن یا زغال روی کاغذ، چوب، مس، دیوار و پارچه نقاشی کند. او با استادی تمام، طبق ذهنیات خود نقاشی می‌کرد^۲. او همچنین «در ترئین کتب نیز مهارت داشت و از طب عامیانه هم آگاه بود و با تمام دقت داروهایی را برای درمان زخم‌ها از گیاهان می‌ساخت».^۳

ویزگی‌های خاص آثار میناس باعث شده است تا آنها با آثار هترمندان هم‌عصر خود متفاوت و در نوع خود منحصر به‌فرد باشند. «میناس با جا دادن اشکال در وسط تابلو طرح آنها را دقیقاً مورد تأکید قرار می‌داد. رنگ خاکستری زمینه، سیاهی لباس‌ها، سفیدی و سیاهی قبا، نقش‌های ظرفی شال کمر با جذابیت و سلیقه‌ی عالی در رنگ‌هایشان، آثار میناس را از سایر آثار نقاشان جلفا متمایز می‌کرد». ^۴ (تصویر ۲)

به نظر می‌رسد که سبک میناس در چهره‌نگاری و فضاسازی در سال‌های بعد مورد توجه سایر نقاشان قرار گرفته و شیوه و «تکنیک میناس در آثار آنان به عنوان یک الگو مورد توجه قرار گرفته و توسط آنان تکرار شده است».^۵ به عبارت دیگر، «این روش چهره‌نگاری با روشنی و سادگی تزئینی رنگ‌ها و گویایی متعادل و درون‌گرایی روحی در هنر ارمنی سال‌های بعد ادامه پیدا کرد».^۶ کما این‌که نقاشانی چون هوهانس مرکوز در همان

۱. لتو، (۱۹۶۹)، مجموعه اسر، ج ۲، ایروان: هایاستان، ص ۴۳۱.

۲. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۲۶.

۳. لکون میناسیان، «استاد میناس نقاش مشهور جلنها»، مجله هنر و مردم، ش ۱۷۹، ۱۳۵۶، ص ۲۹-۳۰.

۴. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۳۱.

۵. همان، ص ۳۱.

۶. همان.

عصر، پیکر چنین شیوه‌ای بودند. «در نیمه نخست سده‌ی هفدهم، گذری از مینیاتور به نقاشی روی پارچه ضخیم چارچوب شده در هنر نقاشی جلفای تو مشاهده می‌شود. از سوی دیگر تأثیر عمیق نقاشی اروپایی رانیز می‌بینیم که خصیصه‌های محدود اصول ابداع دورنمایی، اندازه‌ها و ترکیب‌ها را با خود به ارمغان می‌آورد».^۱ این ویژگی‌ها، با تاثیر از سبک میناس و عقاید هنری آش در آثار هنری مرکوز نیز دیده می‌شود. بسیاری از نقاشی‌ها و تزیینات دیوارهای کلیسا وانک از آثار ارزشمند هوهانس مرکوز است؛ به طوری که تبحر، هنر و استعداد او سبب تحسین بازدیدکنندگان از کلیسا وانک می‌شود. یکی از این آثار مهم و مشهور، «پرده چشم بی خواب» می‌باشد.

بر روی دیوار سمت راست سکوی این کلیسا، مسیح کودک روی صلیب خوایده و مریم مقدس نزد او نشسته است (تصویر ۳). تصویری متواضع و پیکری با رنگ و روی ارمنی که خداوند متعال، از درون ابرهای سفید، آنان را تقدیس می‌کند. در این تصویر، شمعدان، نیزه، میخ‌های تصلیب (ابزار شکنجه‌های بعدی مسیح) دارای جا و مکان مخصوص می‌باشند. این ترکیب با نام «چشم بی خواب» معروف است که در سده‌ی پانزده میلادی بوجود آمده و سپس در اروپا و رویه گسترش بسیار یافته است. در نمونه‌های اولیه‌ی آن، فرشته‌های بزرگ میکائیل و جبرائیل، که بعداً جایشان را به مریم دادند، ظاهر می‌شوند. هوهانس مرکوز با استفاده از ترکیب‌های همانند، واریانت ارمنی را خلق می‌کند و مریم را وارد صحنه می‌کند و نیز در سمت چپ نقاشی دستمالی را با چهره گویا و راسخ مسیح به تصویر می‌کشد. در زیر دستمال، یک راهب زانو زده و دعا می‌کند که طبق روایات، خود هوهانس مرکوز می‌باشد. نکات قابل توجه در این نقاشی، زیبایی ظرافت چهره و دست‌های مریم و بدن مسیح، حالت مادی اشیا، سیاهی غلیظ شنل و کلاه مخصوص مرکوز و دستان دراز کرده به سمت مسیح و همچنین چهره مختص به خود مرکوز با یعنی شاهین مانند و ریش سفید، ابروان و چشمان سیاه، می‌باشند. در روایتی تاریخی آمده است که روزی شاه عباس صفوی هنگامی که در خانه‌ی خواجه سافراز فرزند خواجه ناظار (همان کسی که خیابان اصلی جلفا یعنی خیابان نظر به اسم او است) مهمان بوده است. شاه متوجه نقاشی‌های بسیار زیبای دیوارها می‌شود و از

۱. همان.

صاحب مجلس سراغ نقاش را می‌گیرد. میناس به خواست شاه در مجلس حاضر می‌شود. شاه عباس از او می‌خواهد تا تصویر چهرازخان یکی از ملازمان بسیار زشت روی او را نقاشی کند. همه حضار متوجه شیطنت شاه می‌شوند. چهرازخان نیز در تمام مدت نقاشی دست از لودگی و شکلک در آوردن برنمی‌دارد تا حواس نقاش را بیشتر منحرف کند اما غافل از این‌که نقاش به واسطه‌ی همین رفتار او بهتر می‌توانسته به عمق خطوط چهره‌ی او پی ببرد. در خاتمه‌ی کار، حضار نتوانستند حیرت خود را از شباهت بی‌حد و حصر تصویر از چهره‌ی چهرازخان پنهان کنند. همین واقعه باعث شد تا میناس، پا را از دایره‌ی محدود ارامنه بیرون گذاشته و با نقاشی در خانه‌های اعیان و اشراف وارد جامعه‌ی بزرگ‌تر شده و به شهرت برسد. معروف است که شاه به خاطر نقاشی فوق العاده زیبا (از موضوع یک باز و نگهبانش)، میناس را مورد تقاض قرار می‌دهد و به او دوازده تومنان انعام و یک خلعت اهدا می‌کند. به غیر از این می‌خواهد او را به مقام سریازان دربار برساند تا به این بهانه، به او حقوق پدهاد. میناس این افتخار را نمی‌پذیرد و ترجیح می‌دهد به عنوان یک نقاش ساده در مدرسه خود، شاگردان هنرمند تربیت کند و مانند گذشته با تزیین دیوارهای خانه‌های ثروتمندان زندگی بگذراند.^۱

متاسفانه به‌جز چند اثر منتبه به میناس، از آثار نقاشی او چیزی باقی نمانده است. یکی از موارد، «کتیبه‌ای است که هنگام تعمیر گنبد کلیسای بتلهم جلفای نو اصفهان، در ۱۹۷۰ م. یافت شده که، نام چند نقاش از جمله میناس، ماردیروس^۲ و آسدوازادور^۳ که نقاشی دیوارهای کلیسا را به عهده داشته‌اند، نوشته شده است».^۴ (تصویر ۴)

پس از آن‌که میناس از حلب به اصفهان بازگشت، با توجه به شهرت او در نقاشی، ثروتمندان جلفای نو در تزئین خانه‌ها و عمارت‌های خود او را دعوت کردند. همچنین در ترسیم نقاشی‌های برخی کلیساها نیز میناس حضور داشته است. آثار به جا مانده از برخی

۱. مردم نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان، سایت اینترنتی <http://www.esfclubs.com/forum/3882>

۱۳۹۱/۵/۱۲

2. Mardirous

3. Astvazadour

4. هاروطن درهوانیان، (۱۳۷۹)، تاریخ جلفای نو، ترجمه لئون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، اصفهان: زنده رود، ص ۵۶۷

از این عمارت‌ها و کلیساها، که برخی از آنها در طول زمان لطافت خود را از دست داده‌اند و نیز برخی آثار دیگر که سارکیس خاچاتوریان^۱ کپی‌بردار مشهور ارمنی از روی آنها کپی‌برداری کرده بود، قابل انتساب به میناس می‌باشند. در کتیبه‌ی کلیسای بتلهم، آمده «تصاویر را میناس و ماردیروس و گل بته‌های آن را آسدوازادور نقاشی کرده‌اند».^۲

بدین ترتیب، با توجه به این که میناس در نقاشی این کلیسا مشارکت داشته به احتمال زیاد نقاشی‌های خانه خواجه پطرس نیز از مجموعه آثار منتبه به او به شمار می‌روند: «یکی از خانه‌های مشهور جلفای نو، خانه‌ی خواجه پطرس، از رجال سرشناس ارمنی عصر صفوی، بود. خانه‌ی خواجه پطرس شباهت زیادی به خانه اعیان اصفهان در عصر صفوی دارد به طوری که نمای درونی آن از نمای پیرونی زیباتر است. نام میناس در کتیبه‌ای در خانه‌ی خواجه پطرس به چشم می‌خورد».^۳ در این کتیبه، آمده: «در زمان رهبری هاکوب، جاثلیق مقدس، به سال ۱۶۶۸ م مرمت خانه به دست ماتیوس میناس صورت گرفته. آرزوی من این است که شما دوستان هنگام دیدن و لمس کردن این نقاشی‌ها، ماتیوس و والدین و پدر و خواجه پطرس و نزدیکان او را به یاد آورید. در آن زمان، نقاشان دیگری از جمله هوهانس مرکوز، هاکویجان، خواجه استیانوس که احتمالاً در کشیدن نقاشی‌های خانه خواجه پطرس مشارکت داشته‌اند».^۴

۱. سارکیس خاچاتوریان (۱۸۸۶-۱۹۴۷) هنرمند ارمنی از تائیرگذاران و طرفداران نقاشی مدرن در قرن بیستم بود. نقاشی‌ها و فعالیت‌های هنری او در تحول نقاشی ایران، تاثیرات بسیاری گذاشته است. او در شهر مالاتیا در ارمنستان غربی بدنیآمده بود و در مدرسه‌ی ساناساریان ارزروم تحصیل کرده بود. البته بنا به قول یکی از شاگردانش او در تبریز به دنیا آمده و تحصیلات نقاشی را در رم سبیری کرده است. وی با توصیه بروفسور آرتور پوپ، به دعوت دولت وقت ایران مابین سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۳ به اصفهان می‌آید تا نقاشی‌های کاخ‌ها و آثار باستانی اصفهان را مرمت و کپی‌برداری کند. او در کاخ چهل‌ستون اصفهان به بازسازی نقاشی‌های (با رنگ روغن) و هم چنین کیمه تعدادی از آن‌ها می‌بردازد. آثار تعمیرات خاچاتوریان در دوره‌های بعدی از روی نقاشی‌های چهل‌ستون پاک شده است.

۲. استاد میناس نقاش مشهور جلفا، ص ۳۰.

۳. سیدروح الله سیدالعسگری، «خانه خواجه پطرس»، *فصلنامه فرهنگی بیمان*، ش ۴۰، س ۱۰، ۱۳۸۶، ص ۲۵.

۴. همان، ص ۲۵.

آراکل در کتاب تاریخ خود، برای نمونه، ترئیت خانه سافراز را ذکر می‌کند که کار میناس بوده و بیان می‌کند که «شاه صفوی نخستین بار کار میناس را در خانه خواجه سافراز مشاهده و از میناس برای تزیین کاخ‌های خود دعوت کرده است». ^۱ در بایگانی کلیسا‌ی وانک، سندی از شاه صفوی درباره میناس وجود دارد. مضمون سند حاوی اخطار شاه صفوی (۱۶۴۲-۱۶۱۱) به میناس و دعوت او به ادامه‌ی کار است که نقاشی یکی از کاخ‌های شاه (کاخ چهل ستون اصفهان) را نیمه‌کاره رها کرده و دست از کار کشیده بود.^۲ (سند ۱).

«حکم عالی شد آنکه مسموع شد که نادرالعصری استاد میناس نقاش دست از کار اینجانب کشیده و جهت دیگران نقاشی می‌کند و در باب تعليم سعادت نصاب استاد رضا تغافل و تکاهل نمایند می‌باید که نوعی ننمایند که باعث خجالت و شرم‌نگی ایشان شود و آنچه لازمه سعی و کوشش باشد به عمل آورند که فردا عذر مسموع خواهد شد و اگر من بعد اثر تغافل و کاهلی او ظاهر می‌شود بعرض نواب همایون اعلی رسانید ایشان را با خانه کوچ بدین صوب خواهد آورد. غرض که دیگر تصریحی ننموده تخلف جایز ندارد و در عهده شناسد.» مهر: بنده شاه نجف شاهور دی. در این حکم از استاد میناس به عنوان نادرالعصری نام برده شده است و این نشان از ارزش و جایگاه خاص او در دربار و جامعه هنری آن دوره بوده و حکایت از اجرای آثار منحصر بفرد توسط او می‌باشد.

میناس علاوه بر نقاشی‌های متعددی که در خانه‌های خواجه‌های ارمنی و کلیسا‌های مختلف انجام داده شاگردانی را نیز تربیت نموده، که برخی از آنها خود در نقاشی ایران دارای تأثیرات بسیار زیادی بودند. «میناس در منزل خود مدرسه نقاشی دایر کرده بود و به تعليم نقاشی در دو سبک مینیاتور و نقاشی فرنگی مآب می‌پرداخت و شاگردانی را نیز در این دو زمینه تربیت نموده است». ^۳ یکی از این نقاشان استاد رضا عباسی نقاش مشهور عهد صفوی است که دستیار میناس بوده و شاگردی او را کرده است: «او تحت تأثیر

1. Arakel Davrizhets (1988). *Badmootiun, Targ*, Modern Eastern Armenian Translation by: Varag Arakelean, Yerevan: Sovedakan Gerogh, P:286

2. اصل سند به شماره ۱۱، در بایگانی موزه کلیسا‌ی وانک اصفهان موجود است.

3. امیلیا نرسیسیانس، «تأثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی»، نشریه جامعه شناسی هنر و ادبیات، س، ۳، ش، ۲، ۱۳۹۰، ص ۶۹.

نقاشان درباری نظیر فیلیپس آنجل، وان هسلت هلندی و یان لوکاس بود و هم از طریق کارکردن با میناس، با سلوب نقاشی فرنگی آشنا شده بود.^۱ در سند اخیر- که تنها منبع قابل اسناد ولی معتبر محسوب می‌شود - به استاد میناس تاکید شده است که در تعلیم و تربیت استاد رضا تعاون نماید. این نکته ثابت می‌کند که استاد رضا مدتها نزد استاد میناس تعلیم دیده است؛ ولی نکته جالب توجه دیگر این است که در حکم اشاره شده از رضا نیز به عنوان استاد نام برده شده است. لذا چنین به نظر می‌رسد که رضا عباسی در دوره میناس، خود مسنند استادی داشته ولی حضور در مکتب میناس و فعالیت در جوار ایشان ضرورت داشته است.

همچنین جایگاه میناس در بین سایر نقاشان عهد صفوی، به حدی بود که محمدیک از وزیران سرشناس شاه عباس دوم صفوی(۱۶۴۶-۱۶۳۳)، در حکمی به همهٔ نقاشان ابلاغ می‌کند که تابع میناس باشند و از دستورات او پیروی کنند.^۲ این حکم را خواجه سافراز نیز که یکی از تجار مشهور جلفا بوده، مهر کرده است.^۳ (سند ۲).

«...حرف اول را موش خورده و معلوم نیست) بنابر راستی و نیک نفسی نادرالعصری استاد میناس جلفایی که جماعت نقاشان جلفایی استاد میناس مذکور را استاد و ریش سفید خود دانسته از سخن و صلاح مومی الیه بیرون نزوند و استاد میناس مذکور را استاد... خود دانسته از سخن و صلاح مومی الیه بیرون نزوند و از حرف مومی الیه تجاوز ننمایند.» در این سند نیز استاد میناس به نادرالعصری و نیک نفسی مطرح شده است.

دوره‌ی صفویان، یکی از پرتحوّل‌ترین دوره‌های تاریخ ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، تجارتی، بازرگانی و فرهنگی به شمار می‌رود. میناس به عنوان هنرمندی تأثیرگذار توانست نقش مهمی در این عصر ایفا کند و در کنار سایر افراد موثر، تحولاتی را در هنر نقاشی بوجود آورد. همان‌گونه که اشاره شد، از ابداعات و تأثیرگذاری‌های میناس در نقاشی ایران قرن هفدهم، گذر از مینیاتور به نقاشی روی پارچه (بوم) و بزرگ اندازه می‌پاشد که در نقاشی جلفای نو مشاهده می‌شود. همچنین تلفیق نقاشی اروپایی و تأثیر آن

۱. همان، ص. ۷۱.

۲. اصل سند به شماره ۱۰، در بایگانی موزه کلیسا و انک اصفهان موجود است.

۳. لئون میناسیان، «ذکر رضا عباسی در استاد ارمنی»، مجله آینده، س. ۷، ش. ۹، ۱۳۶۰، ص ۷۳۶.

در نقاشی ایران در همان دوره، در آثار میناس مشاهده شده است. همان دوره «شماری از نقاشان ایرانی کوشیدند با استفاده از عناصر و ویژگی‌های اروپایی و هندی آثاری متفاوت از مکتب اصفهان پدید آورند. مسلماً اینان در اسلوب رنگ روغنی مهارت کافی نداشتند. شاید اجرای پرده‌های بزرگ اندازه به نقاشان خارجی مقیم اصفهان و یا نقاشانی چون میناس سپرده می‌شد».۱ از خصوصیات این نوع نقاشی، ابداعات دورنماها، روشنایی و نور، تغییر در اندازه‌ها و ترکیبات جدید می‌باشد. «میناس را جزو نقاشان تاثیرگذاری باید دانست که نقاشی را به طور تخصصی و حرفه‌ای و مناسب با مفهوم زمانه مطرح می‌کنند».۲ تلاش او باعث شده است تا نقاشی با زندگی مردم آمیخته شود و یا اصلاً زندگی بدون حضور نقاشی، خالی و بی‌معنی جلوه نماید.

۱. نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، ص ۱۳۴.

۲. هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سده‌های ۱۷ و ۱۸، ص ۳۱.

نتیجه

یکی از تحولات مهم در تاریخ نقاشی ایران را می‌توان در قرن هفدهم در جلفای اصفهان، جستجو کرد. دوره‌ای که به جهت ایجاد ارتباطات وسیع تجاری و فرهنگی بین ایران و اروپا از طریق تجار ارمنی، فضای جدیدی در نقاشی ایران به وجود آمد و تلفیقی از نقاشی سنتی، ارمنی و اروپایی شکل گرفت. اصفهان در عهد صفوی، شاهد چنین تحولی در نقاشی ایران بود. طبق اسناد موجود، میناس زهرابیان، اولین نقاش توانمند ارمنی است که نقاشی اروپایی را وارد نقاشی ایران کرد. توانمندی او در کار با رنگروغن در بوم‌های بزرگ اندازه، چهره‌نگاری‌های متفاوت با ارائه شخصیت‌پردازی‌های روانشناسانه، تاکید بر سایه روشن و برسپیکتیو و سه‌بعدی بخشیدن به تصویر و نهایتاً جنبه عینی و زمینی بخشیدن به تصویر، آثار او را با نقاشان دوره‌های قبل و نقاشان هم‌زمان خود، متفاوت می‌کرد. چنین به نظر می‌رسد که شاید یکی از مهمترین تاثیرات میناس در تاریخ نقاشی ایران، تعلیم استاد رضا عباسی، نقاش نامی ایران پاشد، بطوری‌که اسلوب نقاشی رنگروغن رارضا عباسی از برخی نقاشان خارجی و هنگام کار با میناس فراگرفته بود. میناس در قرن هفدهم، نقاشی منحصر به فرد بود که هنر خود را به صورت حرفاً و متناسب با نیاز جامعه و مفهوم زمان اجرا می‌کرد. به همین جهت، در دوره مورد اشاره با تلاش او نقاشی وارد زندگی خصوصی مردم شد و جایگاه ویژه‌ای در زندگی فردی و اجتماعی پیدا کرد. حضور نقاشی در خانه‌ها، به عنوان عنصری لاینفک در زندگی انسان، یکی از برجسته‌ترین تاثیرات نقاش در جامعه ایرانی محسوب می‌شود.



تصویر ۱- چهره‌نگاری و سکان ولیجانیان و هاکوچان ولیجانیان، میناس، موزه وانک جلفای نو اصفهان.

ماخذ: قازاریان، ۱۳۶۳: ۸۲

۱۰۰ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۲۰

تصویر ۲- نقاشی داخل کلیسا که تصور می‌شود، کار
میناس باشد.

ماخذ: میناسیان، ۱۳۵۶: ۲۸



تصویر ۳- تابلوی چشم بی خواب، هوهانس مرکوز،
کلیسا وانک، جلفای نو، اصفهان.

ماخذ: قازاریان، ۱۳۶۳: ۸۴



تصویر ۴- کتیبه کلیسا بتلهم که نام میناس
در آن نوشته شده است.

ماخذ: میناسیان، ۱۳۵۶: ۲۹

تبیین جایگاه میناس، نقاش ارمنی، در تاریخ نقاشی ایران ۱۰۱

سند ۱- مدرک شماره ۱۱، موزه

وانک، اصفهان،

ماخذ: میناسیان، ۱۳۶۰: ۷۳۷

اعمال
حکم عالی که همچوی سمع شنید که ناداعمر شاه
پیاس فوش بست که اینها بخت بد و در کاران خوب است
و دیگر لذت برده باشند از اینها میگذرد
میگذرد و زنگنه که باعث فجابت شدید که اینها خوب
لشکر کوشی همچوی اینها را فدا میکنند و خواهش
میگردند از اینها که اینها را میخواهند میگردند
اثر زیبا خارکوم بنهوی خواهند داشت که کفشه را
گلصف حاصل کرو و در دور رشته سرمه

سند ۲- مدرک شماره ۱۰

موزه وانک، اصفهان،

ماخذ: میناسیان، ۱۳۶۰: ۷۳۶

بـتـ بـاـ بـرـ زـنـکـ نـغـرـ وـ الـمـلـكـ سـادـ زـنـشـلـ
بـنـجـمـنـیـکـ کـرـجـتـ نـخـشـانـ پـنـهـرـتـ دـبـشـیـکـ کـرـدـهـ اـخـادـ
وـ دـشـنـدـ خـوـیـزـ اـنـهـ اـنـسـنـ چـصـلـعـ صـدـرـ سـرـیـ بـهـرـ زـوـیـ خـودـ
وـ اـسـتـادـ مـیـسـ کـمـدـ رـاستـ دـمـسـهـ دـلـهـ مـقـوـدـ اـنـجـلـیـ مـلـهـ اـنـجـلـیـ
پـهـرـنـ زـنـدـ وـ اـرـاقـ سـهـلـهـ خـاـوـرـانـ بـهـنـدـ

فهرست منابع و مأخذ

- افسار مهاجر، کامران، (۱۳۸۴)، هنرمند ایرانی و مدرنیسم، تهران: دانشگاه هنر.
- پاکباز، روین، (۱۳۸۶)، تقاضی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: زرین و سیمین.
- حسینی راد، عبدالجبار، (۱۳۸۴)، شاهکارهای نگارگری ایران، تهران: موزه هنرهای معاصر تهران.
- درهوهانیان، هاروطون، (۱۳۷۹)، تاریخ جلفای نو، ترجمه لون میناسیان و محمدعلی موسوی فریدنی، اصفهان: زنده رود.
- سیدالعسگری، سید روح الله، (۱۳۸۶)، «خانه خواجه بطرس»، فصلنامه فرهنگی پیمان، س. ۱، ش. ۴۰، ص. ۱۵۹-۱۶۷.
- قازاریان، مانیا، (۱۳۶۳)، هنر نقاشی جلفای نو (اصفهان) سدهای ۱۷ و ۱۸، ترجمه ادیک گرمانیک، تهران: هویک ادگاریان.
- قوکاسیان، هراند، (۱۳۵۲)، «هنر و فرهنگ ارمنیه ایران»، مجله ارمغان، ش. ۵، ص. ۳۵۱-۳۴۸.
- کریمیان، حسن و مژگان جایز، (۱۳۸۶)، «تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری»، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ش. ۷، ص. ۶۵-۸۸.
- لازاریان، زانت د. (۱۳۸۰)، هنر معاصر ارمنستان، تهران: موسسه توسعه هنرهای تجسمی
- لازاریان، زانت د. (۱۳۸۲)، داشنامه ایرانیان ارمنی، تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها - هیرمند.
- لنو، (۱۹۶۹)، مجموعه اثر، ج. ۲، ایروان: هایاستان
- میناسیان، لون، (۱۳۵۶)، «استاد میناس نقاش مشهور جلفا»، مجله هنر و مردم، ش. ۱۷۹، ص. ۲۸۳-۲۸۵.
- میناسیان، لئون، (۱۳۶۰)، «ذکر رضا عباسی در استناد ارمنی»، مجله آینده، س. ۷، ش. ۹، ص. ۷۲۷-۷۳۴.
- نرسیسیانس، امیلیا، (۱۳۸۵)، «مردم نگاری تاریخی هنر در جلفای اصفهان»، در: اصفهان: سمینار مردم نگاری هنر؛ سایت اینترنتی www.esfclubs.com تاریخ بازدید: ۱۳۹۱/۵/۱۲
- نرسیسیانس، امیلیا، (۱۳۹۰)، «تأثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی»، نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، س. ۳، ش. ۲، ص. ۵۲-۷۱.
- هوویان، آندرانیک، (۱۳۸۰)، ارمنیان ایران، تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها - هرمس.
- —————، (۱۳۸۸)، هنرمندان ارمنی ایران، تهران: فرهنگستان هنر.

لاتین:

-Davrizhets Arakel, (1988), *Badmootiun, Targ*, Modern Eastern Armenian Translation by: Varag Arakelean, Yerevan: Sovedakan Gerogh.